

اعلامیه مطبوعاتی

غزه امروز همچون دیروز شهدا را می‌شمارد؛ قربانی ترامپ و نتانیاهو (ترجمه)

روز خونین دیگری در غزه فرا رسید؛ روزی که تا لحظه نگارش این اعلامیه، با وداع با بیست‌ونُه شهید سپری می‌شود؛ تکراری از هر شبی که در سیاهی قتل و ظلمتِ خذلان فرو می‌رود و هر صبحی که در آن، خسارت‌ها شمرده می‌شود و ابعاد توطئه‌ای آشکار می‌گردد که همه کسانی بر آن همداستان شده‌اند که در سرزمین مبارک، نه حرمت خویشاوندی را پاس می‌دارند و نه عهد و پیمان را.

طرح ترامپ نه برای توقف جنگ و تجاوز بود و نه پایان دادن به آن؛ بلکه فریب بزرگ برای بازگرداندن اسیران رژیم یهود به‌شمار می‌رفت. میانجیگری میانجی‌ها و امضای خائن‌ان رژیم‌ها بر طرح ترامپ و پیوستن‌شان به «شورای صلح» او که غزه را در خون بیشتری پیچید، چیزی جز نجات‌بخشی به رژیم جنایت‌کار نبود؛ رژیمی که در برابر گروهی اندک از مجاهدان محاصره‌شده، از تحقق اهدافش در غزه ناکام مانده بود. آنان اسیرانش را نجات دادند و پیکرهای کشته‌هایش را تا واپسین جسد حمل کردند؛ سپس به سراغ سلاح مجاهدان رفتند تا آن را خلع کنند؛ در حالی‌که پیش‌تر دشمن را از سلاح امت و سپاهش ایمن ساخته بودند تا کشتار در میان مردم غزه بی‌محابا به اوج برسد.

غزه وارد مرحله دوم طرح ترامپ می‌شود، در حالی‌که زخم‌هایش همچنان خون‌چکان است و جامه‌اش ترس و گرسنگی و بیماری و تشنگی. کمبود دارو و قلت کفن با آن همراه است و همه دغدغه حکام این است که چگونه سلاح را بگیرند و چگونه امنیت رژیم غاصب را تأمین کنند تا مبادا پایش آلوده شود، در حالی‌که وی غزه را با خون پیران و زنان و کودکانش غرق می‌کند.

غزه به مرحله دوم طرح ترامپ قدم می‌گذارد و ترامپ و نتانیاهو و میانجی‌ها و حاکمان ادعا می‌کنند که گشایش گذرگاه‌ها - آن هم مشروط به موافقت رژیم یهود بر هر نفس و نفسی که به غزه وارد یا از آن خارج می‌شود - نزدیک است؛ اما شعله‌های مرگ به مردم غزه نزدیک‌تر از گشایش گذرگاه‌هاست. میانجی‌ها و حاکمان کر و کور و لال‌اند؛ نه می‌شنوند و نه می‌بینند و نه سخن می‌گویند؛ گویی تنها خواسته‌شان پیروزی رژیم یهود و افکندن مردم غزه در کوره قتل‌بی‌پایان است.

غزه وارد مرحله دوم می‌شود، در حالی‌که حاکمان و میانجی‌ها آن را - با مجاهدانش، مردانش، زنانش و کودکانش - به امریکا و همه نیروهای کفر تسلیم کرده‌اند؛ گویی آنان قربانی‌ای هستند که خون‌شان برای تقرب به ترامپ نثار می‌شود.

غزه وارد مرحله دوم می‌شود و آنچه بر کرانه باختری می‌گذرد، از همان جنس آن چیزی است که بر مردم غزه می‌رود؛ هرچند آتش آن اندکی کم‌حرارت‌تر و کشتار اندکی فروتر است. گویی سراسر فلسطین در موعد خیانتی تازه است؛ با بهایی که با خون و زمین و هر مقدس آن پرداخت می‌شود.

اینک فلسطین در برابر دیدگان امتی کامل می‌سوزد؛ در حالی‌که حاکمانش می‌کوشند شراره خشم را در آن خاموش سازند، با این ادعا که آتش‌بس در راه است، جنگ پایان یافته و غزه به‌روی کمک‌ها گشوده خواهد شد تا امت حقیقتی را از یاد ببرد: این‌که فلسطین هیچ راه‌حلی جز پاکسازی آن از رجس یهود ندارد.

امروز همچون دیروز است؛ هنوز فریادهای زنان آزاده فلسطین در گوشه‌گوشه زمین طنین می‌اندازد: «وامعتصماه!»

هنوز اشک‌های کودکانش، از حسرت خذلان امت و سپاه‌هایش، فرو می‌ریزد؛ شکایت خویش را به درگاه الله سبحانه و تعالی می‌برند و گوش هر توانای یاری‌رسان را می‌کوبند: «در پیشگاه الله سبحانه و تعالی خصومت خواهیم برد و شکایت به‌سوی اوست». و هنوز مسجدالاقصی زیر سرنیزه‌های یهود می‌نالد؛ با گام‌های آلوده‌شان آن را می‌آلاینند، بنیادهایش را می‌گنند و بندگان الله را از رسیدن به صحن‌هایش باز می‌دارند. آنگاه هر آنچه در سرزمین مبارک است و هر که در آن است، آشکارا اعلام می‌کند که دشمن به آنچه رسیده، نمی‌رسید مگر به سبب همدستی و توطئه نظام‌ها؛ توطئه‌ای که بیش از هشتاد سال ادامه دارد.

پس امت با سپاهیان و مردانش، با علما و سیاستمدارانش، با باسوادان و عامیانش، در برابر خذلان سرزمین مبارک و مردمش کجا خواهد رفت؟ در حالی‌که دنیا و هرچه در آن است، بر آن‌ها تنگ آمده و گستره زمین با همه فراخی‌اش بر مردمش تنگ شده است. امت کجا خواهد رفت وقتی دید حاکمانش همان را از مردم فلسطین می‌خواهند که دشمن از دشمنش می‌خواهد؟ امت کجا خواهد رفت اگر آتش درونش به حرکت درمی‌آید؟ این‌که هیچ راه‌حلی جز پاکسازی آن‌ها نیست؛ و کجا خواهد رفت اگر آنان صلیب‌ها بر سر درخت‌هایشان می‌نهند و فریادهایشان را به گوش خدا می‌رسانند، به مردمش

خیانت کردند و آنان را به دشمنی سپردند که نه حرمت خویشاوندی می‌شناسد و نه عهد و پیمان، فرو نیفکند؟ امت در پیشگاه الله سبحانه و تعالی از همه این‌ها چه پاسخی خواهد داشت؟!

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتِلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ (۳۸) إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبُكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَصْرُوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿التوبة: ۳۸ و ۳۹﴾)

ترجمه: ای مؤمنان! چرا هنگامی که به شما گفته می‌شود: (برای جهاد) در راه الله حرکت کنید، سستی می‌کنید و دل به دنیا می‌دهید؟ آیا به زندگی این جهان به جای زندگی آن جهان خوشنودید؟ (و فانی را بر باقی ترجیح می‌دهید؟ آیا سزد که چنین کنید؟) تمتع و کالای این جهان در برابر تمتع و کالای آن جهان، چیز کمی بیش نیست. اگر برای جهاد بیرون نروید، الله شما را (در دنیا با استیلاء دشمنان و در آخرت با آتش سوزان) عذاب دردناکی می‌دهد و (شما را نابود می‌کند و) قومی را جایگزین تان می‌سازد که جدای از شمايند (و پاسخگوی فرمان الله اند و در اسرع وقت دستور او را اجرا می‌نمایند. شما بدانید که با نافرمانی خود تنها به خویشتن زیان می‌رسانید) و هیچ زبانی به الله نمی‌رسانید (چرا که الله بی‌نیاز از همگان و دارای قدرت فراوان است) و الله بر هر چیزی توانا است (و از جمله بدون شما هم می‌تواند اسلام را پیروز گرداند و همچنین شما را از بین ببرد و دسته فرمانبرداری را جانشین شما کند).

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر – فلسطین